

به نام خدا



عنوان مستند: شیوه نامه رتبه بندی اعتباری مؤسسات مالی غیربانکی

شماره ویرایش: صفر

تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰۳/۰۷

مرجع تصویب: هیأت مدیره

۱- شیوه نامه رتبه بندی اعتباری مؤسسات مالی غیربانکی

محدوده شیوه نامه حاضر مربوط به شرکت های واسپاری (لیزینگ)، تأمین سرمایه (بانک سرمایه گذاری)، مضاربه، خدمات مدیریت دارایی و مشاوره سرمایه گذاری، خدمات تأمین مالی مسکن و خدمات تنزیل می باشد که برهان آن ها را به منظور تهیه این شیوه نامه تحت عنوان مؤسسات مالی غیربانکی خواهد نامید.

بخش بزرگی از دارایی های کشور همچنان توسط بانک های تجاری مدیریت می شوند در حالی که سهم مؤسسات مالی غیربانکی همواره کم باقی مانده است. این بخش با چالش هایی همچون تجهیز محدود منابع، عدم دسترسی به خطوط اعتباری از نهادهای مالی، توانایی محدود در جذب سپرده و عدم برخورداری از حمایت قانونی در زمان مواجهه با درماندگی مالی نقش آخرین وام دهنده را ایفا نمی کند. اثربخشی محیط مقرراتی از جمله عوامل بیرونی است که بر رتبه اعتباری تأثیر می گذارد و نظارت های بیرونی تأثیر مثبتی بر حمایت از بستانکاران دارد.

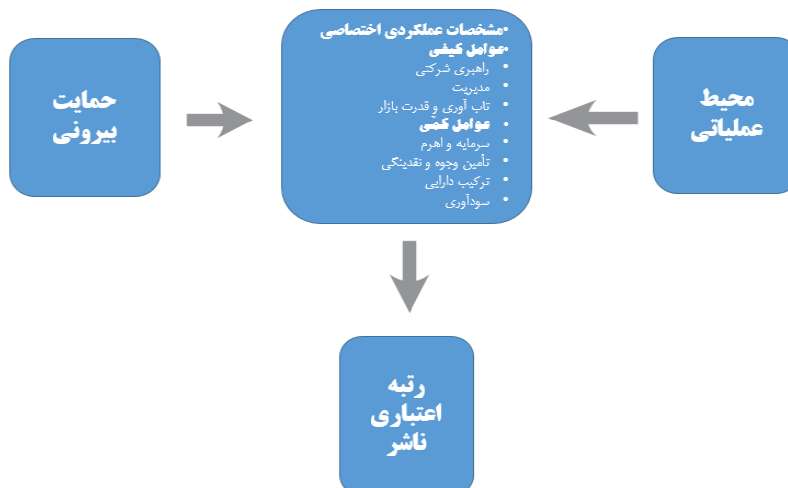
۲- قابلیت مقایسه میان بخشی

رتبه تخصیص یافته به شرکت های فعال در این بخش، قابلیت مقایسه با بخش های مختلف دیگر را دارد. برهان در تلاش است تا با ارزیابی خود، جایگاه هر شرکت را در مقابل هر شرکت دیگری که رتبه بندی شده تعیین کند و بنابراین از طریق ایجاد یک مقیاس واحد برای ارزیابی اهلیت اعتباری هر شرکت، مطلوبیت رتبه بندی ها را برای عموم سرمایه گذاران حداکثر کند. در زمان ارزیابی رتبه ها، ریسک های مرتبط با بخش مربوطه در کنار ریسک مختص به شرکت در نظر گرفته می شوند. بنابراین در رتبه بندی هر نهاد مالی، در کنار شاخص های عمومی صنعت مالی، تغییرات در شاخص های اقتصادی نیز لحاظ می شوند. علاوه بر این، مفاهیم اساسی و اصول اولیه دستیابی به یک رتبه برای یک مؤسسه مالی غیربانکی، تا حد زیادی مشابه هر بخش دیگر است.

۳- چارچوب تحلیلی

شیوه نامه رتبه بندی برهان برای مؤسسات مالی غیربانکی متشکل از سه چارچوب تحلیلی گسترده است. ارزیابی، با عوامل بیرونی سیستمی که ممکن است بر مشخصات ریسک یک مؤسسه تأثیر بگذارد، آغاز شده و با ارزیابی مشخصات عملیاتی اختصاصی و ارزیابی حمایت های بیرونی که ممکن است مؤسسه از آن برخوردار باشد، همراه می شود.

چارچوب تحلیلی ارزیابی مؤسسات مالی غیربانکی.



۴- محیط عملیاتی

ارزیابی محیط عملیاتی مؤسسات مالی غیربانکی به ریسک‌های اقتصادی و صنعتی که مؤسسات مالی غیربانکی در معرض آن قرار دارند یا ممکن است در افق رتبه‌بندی با آن مواجه شوند، بستگی دارد. در ارزیابی ریسک اقتصادی، درک ساختار فعلی و پیش‌بینی شده اقتصاد، انعطاف‌پذیری سیاست اقتصادی در مقابل ساختار اجتماعی سیاسی پیش‌بینی‌شده، عدم تعادل اقتصادی بالقوه کنونی و حوزه‌های عمده ریسک اعتباری، اهمیت دارند. در تجزیه و تحلیل ریسک اقتصادی، ظرفیت مؤسسه مالی غیربانکی در تطابق با تغییرات اقتصادی ملی در سطح بخشی و انفرادی نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در ارزیابی ریسک صنعت، عمق پوشش محیط مقرراتی مربوط به مؤسسات مالی غیربانکی و اثربخشی نظارت مقام ناظر بر اجرای این مقررات، نیز مدنظر قرار می‌گیرد. همچنین رتبه‌ها از توانایی مقام ناظر در حصول اطمینان در خصوص سلامت مؤسسه و ظرفیت و تمایل آن جهت مداخله به منظور اجتناب از شکست ساختاری، تأثیر می‌پذیرد. شفافیت در سیستم (که توسط چارچوب نظارتی القا شده است) به همراه کارایی نظام کلی حقوقی در زمان مسدود شدن دارایی‌های مشتری برای حمایت از تصاحب مجدد دارایی‌ها، وزن مناسب خود را دارند.

۵- ارزیابی مشخصات عملیاتی اختصاصی

ارزیابی مشخصات عملیاتی اختصاصی به دو جنبه عوامل کمی و کیفی به شرح زیر توجه می‌کند:

۵-۱- عوامل کیفی

۵-۱-۱- راهبری شرکتی

تأثیر راهبری شرکتی بر رتبه اعتباری تا حدی که راهبری ضعیف منافع بستانکاران را به مخاطره بیاندازد، در نظر گرفته می‌شود. هدف از ارزیابی ما از راهبری شرکتی این است که اطمینان پیدا کنیم سازمان به نوعی ساختاردهی شده تا محیط کنترل داخلی اثربخشی را ایجاد کند به نحوی که از طریق توزیع بهینه قدرت در سازمان، امکان سوء استفاده از آن را به حداقل برساند. خصوصیات مختلف هیئت مدیره یک متغیر در میان سایر متغیرها است. از منظر ساختار هیئت مدیره، برهان بر نقش هیئت مدیره، کیفیت چشم‌انداز مدیریت، ترکیب تخصص‌ها در آن و ارتباط آن‌ها با کسب و کار و صلاحیت کمیته‌های هیئت مدیره، تمرکز می‌کند. حوزه‌های کلیدی دیگر مشتمل بر استحکام عملیات نظارتی شامل حسابرسی داخلی و خارجی می‌باشد. میزان پیچیدگی سیستم‌های مدیریت ریسک مورد استفاده نیز یک عامل خیلی مهم در ارزیابی برهان است. راهبری شرکتی خوب و مدیریت ریسک صحیح از ارزش منابع شرکت محافظت کرده و کاربرد آن‌ها را بهینه می‌کند، لذا به مؤسسه اجازه می‌دهد تا به تعهدات خود در مقابل ذی‌نفعان از جمله بستانکاران، احترام بگذارد.

۵-۱-۲- مدیریت

در زمان ارزیابی مشخصات مدیریت ارشد، تجارب تیم مدیریت ارشد و توانایی سازمان در تداوم فعالیت‌ها بدون ایجاد اختلال با اهمیت در موقع از دست دادن کارکنان کلیدی، مدنظر قرار می‌گیرد. وجود فرآیند برنامه‌ریزی راهبردی، تداوم راهبرد با توجه به منابع در دسترس، چارچوب سیاست‌ها و رویه‌های قوی، عواملی مثبت از منظر رتبه‌بندی محسوب می‌شوند.

۵-۱-۳- تاب‌آوری و قدرت بازار

اندازه شرکت (اگرچه تنها شاخص قدرت ناشر نمی‌باشد) با جایگاه بازار رابطه‌ای قوی دارد. آمار عملکردی قابل مقایسه گذشته نشان می‌دهد که تمایل برای اعطای رتبه بالاتر به شرکت‌های بزرگ‌تر وجود داشته است. در زمان ارزیابی یک سازمان از نظر مشخصاتی

همچون کیفیت دارایی یا دسترسی به منابع مالی، باید مزیت تنوع که میزان آن در شرکت‌های بزرگ‌تر بیشتر است، در نظر گرفته شود.

دلایل ملموسی در زمینه تأثیر اندازه شرکت در رتبه‌بندی‌ها وجود دارد. این موضوع اولاً موجب افزایش قدرت بازار سازمان در تمامی جوانب می‌شود که از آن جمله می‌توان به قدرت جذب بهترین افراد، جذب منابع مالی و دستیابی به زیرساخت بهتر و قدرت قیمت گذاری بالاتر اشاره نمود. در صورتی که این نقاط قوت در سازمان‌های بزرگ وجود نداشته یا در سازمان‌های کوچک وجود داشته باشند، البته رتبه‌ها از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند، اگرچه این پدیده استثنایی و نامعمول است.

این موضوع به این معنا نیست که سازمان‌های چابک یا کوچک، زمینه رقابتی خود را در طی زمان از دست خواهند داد. در حالی که آن‌ها می‌توانند به عنوان مدل‌های تجاری همچنان موفق باشند، عامل قدرت بازار ناچاراً به عنوان یکی از متغیرهای معادله ریسک در نظر گرفته می‌شود. به طور خاص در اقتصادهای در حال رشد، همانطور که محیط کسب و کار در حال رقابتی‌تر شدن و فعالیت‌های مرتبط با ادغام و تملک نیز به عنوان نتیجه طبیعی آن در حال افزایش است، به‌طور کلی صرفه مقیاس اهمیت بالاتری می‌یابد.

۵-۲- عوامل کمی

۵-۲-۱- سرمایه و اهرم: عوامل تعیین‌کننده آینده

سرمایه از نظر برهان به عنوان یک مخزن در دسترس مؤسسه در مقابل زیان‌های پیش‌بینی نشده محسوب می‌شود. این عامل به عنوان مهمترین شاخص حمایتی است که سازمان برای بستانکاران خود در برابر زیان‌های آتی فراهم می‌کند و کفایت آن باید با توجه به ریسک‌های تحمل شده توسط شرکت، ارزیابی شود. ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک‌های عملیاتی به عنوان منابع اولیه ریسک، به منظور ارزیابی کفایت سرمایه مؤسسه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. مؤسسات مالی غیربانکی ممکن است فعالیت خود را بین بازار پول و سرمایه به صورت متنوع توزیع کنند و وجود ریسک بازار در کنار زیان‌های بالقوه وام‌ها و قراردادهای واسپاری، در ارتباط با حقوق صاحبان سهام کمی‌سازی می‌شوند. ذخایر پنهان نیز در صورت وجود مدنظر قرار می‌گیرند.

اهرم یا میزان بدهی در مقایسه با سرمایه پایه، به عنوان عاملی مهم در اختصاص رتبه محسوب می‌شود. برهان معتقد است که در یک اقتصاد در حال رشد و در سازمان‌های پویا، سطح سرمایه به سمت بهینه حرکت می‌کند و اگر سطح سرمایه بالاتر از میانگین باشد، در نهایت اهرم افزوده می‌شود تا ارزش بیشتری برای سهامداران حاصل شود.

ریسک‌گریزی سازمان‌ها ممکن است کم یا زیاد باشد، ولی در هر حال، سطح بالاتر سرمایه (هم به صورت مطلق و هم به صورت نسبی) اثر مثبت در رتبه‌بندی دارد. بنابراین فهم میزان تمایل مالکان و مدیران به پذیرش ریسک، بخشی از فرایند قضاوت برهان محسوب می‌شود. میزان ذخیره احتیاطی بیش‌تر از الزامات نسبت کفایت سرمایه (که در مقررات بازنگری شده مؤسسات غیربانکی تعیین شده) نیز به عنوان عاملی مهم در رتبه‌بندی محسوب می‌شود.

برهان همچنین به توانایی مؤسسه مالی غیربانکی در افزایش سرمایه پایه خود از طریق انباشته‌کردن سود تاکید دارد، چون سود برای رشد باثبات، به عنوان یک منبع قابل اتکا محسوب می‌شود. این موضوع سیاست تقسیم سود را به عنوان عاملی مهم در می‌آورد، چراکه قوت در سودآوری می‌تواند از طریق خروج زیاد نقدینگی تضعیف شود. یک سرمایه پایه قابل توجه، مدیریت را قادر می‌سازد تصمیمات محتاطانه‌ای را در زمینه گزینه‌های رشد و تامین مالی اتخاذ کند.

۵-۲-۲- تأمین وجوه و نقدینگی

در زمینه مؤسسات مالی غیربانکی، در ارزیابی اهرم باید به ماهیت بدهی‌ها که زمان دار می‌باشد و برعکس بانک‌های تجاری که تقاضامحور است، توجه داشت. بنابراین مقدار شاخص‌های نقدینگی مورد نیاز برای رتبه‌های بالاتر، اغلب برای مؤسسه مالی غیربانکی در مقایسه با بانک‌های تجاری پایین‌تر است. به طور مشخص، میزان توان مؤسسه غیربانکی در ایجاد تناسب بین دارایی‌ها و بدهی‌های خود و اینکه تا چه حد بدهی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت آن با سرسیدها و مشخصات نرخ بهره منابع مالی تأمین شده و سبد سرمایه‌گذاری‌های مؤسسه مطابقت دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. نقدینگی در دسترس برای ایفای تعهدات کوتاه‌مدت از طریق ارزیابی تمام ادعاهای کوتاه‌مدت در برابر تمام منابع نقد کوتاه‌مدت، مورد قضاوت قرار می‌گیرد. البته برهان، کیفیت، تنوع و ثبات منابع نقدی را در نظر می‌گیرد. ایجاد و مدیریت با احتیاط این جریان‌های نقدی به عنوان موضوعی کلیدی در ارزیابی محسوب می‌شود. دسترسی به منابع مالی عامل مهم دیگری در رتبه‌بندی است. مؤسسات مالی غیربانکی تا حد زیادی به منابع مالی ثانویه از جمله اخذ تسهیلات از نهادهای مالی، اتکا می‌کنند، اگرچه برخی از آن‌ها به منابع عمومی از طریق انتشار گواهی سرمایه‌گذاری یا ابزارهای بدهی دیگر نیز دسترسی دارند. در نتیجه، توانایی دسترسی به بازارهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای تأمین مالی در نرخ‌های رقابتی، برای بقای توأم با موفقیت، حیاتی است. تنوع و ثبات منابع تأمین وجوه، به نوبه خود الزامات نقدشوندگی را برای مؤسسه تعیین می‌کند. در حالت ایده‌آل، راهبرد تأمین وجوه برای مؤسسه مالی غیربانکی، باید منابع متنوع تأمین مالی را دربرگیرد. برهان انعطاف‌پذیری مؤسسه در مقابله با رخدادهای بازار و ظرفیت آن در تأمین مالی کسب و کار جدید را ارزیابی می‌کند. دسترسی به بازارهای بدهی و آن بخش از دارایی‌ها که بدون نقصان قابل توجه در ارزش قابل تبدیل به وجه نقد تبدیل هستند، از نظر برهان ارزش زیادی دارند.

۵-۲-۳- کیفیت دارایی: مدیریت سبد سرمایه‌گذاری

ارزیابی کیفیت دارایی به عنوان عامل کلیدی در فرآیند رتبه‌بندی محسوب می‌شود. یک اصل بنیادین در این فرایند همانا تجزیه و تحلیل ترکیب دارایی است. مؤسسات مالی غیربانکی به طور روزافزونی مطابق قوانین مؤسسات مالی غیربانکی، محدوده فعالیت خود را علاوه بر سبد تسهیلات مالی سنتی اعطایی، به مسیرهای مختلف دیگری توسعه می‌دهند. گرچه این موضوع باعث تنوع در جریان‌های درآمدی می‌شود ولی از طرف دیگر منجر می‌شود تا مؤسسات مالی غیربانکی علاوه بر ریسک نرخ بهره و ریسک اعتباری، با ریسک‌های مختلفی همچون ریسک بازار نیز مواجه شوند. افزایش فعالیت‌ها در خصوص خزانه‌داری و بازار سرمایه، باعث می‌شود تا تجزیه و تحلیل‌ها در زمینه سازوکارهای مورد استفاده جهت تطابق با پویایی‌های متغیر محیطی و حفظ موقعیت نقدینگی، عمیق‌تر شوند.

تا آنجایی که به ترکیب تأمین مالی مربوط می‌شود، دریافت‌های نقدی از محل مطالبات، از اهمیتی حیاتی در ایفای ب موقع بدهی‌ها برخوردار است. از آنجایی که بهبود یا خرابی در سبد سرمایه‌گذاری می‌تواند منجر به تغییرات مهمی در توان مالی شرکت شود، برهان به دنبال انجام یک تجزیه و تحلیل جامع از کیفیت دارایی‌ها است. لذا میزان فراگیری و اثربخشی سیاست‌های مدیریت در خصوص رویه‌های وصول مطالبات و رویه‌های ارزیابی ریسک، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

اندازه سبد سرمایه‌گذاری در هر دو سطح مطلق و نسبی یکی دیگر از ملاحظات می‌باشد. ریسک کمتری در ارتباط با یک سبد سرمایه‌گذاری که بر حسب جغرافیا، مشتری و نوع محصول متنوع‌سازی شده وجود دارد. فلسفه مدیریت در مورد تمرکز و برنامه‌های رشد، مرور می‌شوند. شرکت‌های ضعیف‌تر نسبت به تغییرات محیطی حساس‌تر هستند و ماهیت و شدت تغییرات در شرایط بازار تأثیری قابل توجه بر توان مالی و رتبه آن‌ها دارند.

۵-۲-۴- سودآوری: عامل کلیدی در توان مالی

تغییرات در سودآوری در یک سال واحد، عموماً نمی‌تواند بر میزان محافظت بستانکاران از ریسک بیفزاید. با این حال سودآوری پایدار در طی چند سال به یک موسسه قوی ختم می‌شود. کیفیت سود با تأکید بر تداوم و پیش‌بینی پذیر بودن درآمدها به همان اندازه که مبلغ سود مهم است، اهمیت دارد. برهان در تجزیه و تحلیل خود، سود تکرارشونده را از سودهای غیرمحموری تفکیک می‌کند، که انتظار می‌رود تصویر بهتری از پتانسیل درآمدزایی آتی یک شرکت به نمایش بگذارد.

سود نشانگر کارایی راهبرد مدیریت و ظرفیت یک مؤسسه در تأمین مالی داخلی است. میزان سود پایه (بدون لحاظ ذخایر، مالیات و اقلام غیرمترقبه)، ظرفیت موسسه را در ایجاد ذخایر برای جبران زیان‌های بالقوه نشان می‌دهد.

۶- حمایت بیرونی

توانایی مؤسسه مالی غیربانکی در ایفای تعهداتش تحت تأثیر میزان حمایت بیرونی قرار دارد. الگوهای مالکیت و عملکرد گذشته بنیانگذاران/ شرکتهای هم‌گروه، مرور می‌شوند. احتمال برخورداری از پشتیبانی بنیانگذاران قدرتمند در زمان نیاز، معمولاً زیاد است. اهلیت اعتباری مؤسسات مالی غیربانکی با بنیان مالی ضعیف، در صورتی که توسط شخص ثالث قوی حمایت شوند، ممکن است افزایش یابد. به همین ترتیب، مسائل مالی اشخاص مرتبط نیز در نظر گرفته شده و به عنوان نقاط قوت/استرسی که مشخصات ریسک را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مد نظر قرار می‌گیرند.